

## بررسی تحلیلی ارتباط ویشنو با جهان و انسان

### در بستر متون مقدس هندوی<sup>۱</sup>

نیلوفر سلمانی<sup>۲</sup>

مجتبی زروانی<sup>۲</sup>

۸۸

پژوهشنامه ادیان چکیده

در حوزه‌ی پژوهش‌های نظری، تحقیقات متعددی راجع به ویشنو صورت گرفته است، لیکن پژوهش حاضر تلاش دارد سیر تحول رابطه‌ی ویشنو با جهان و انسان را که مسئله‌ی اصلی این پژوهش است، در متون مقدس هندویی و با نظر به دو دوره‌ی ودایی و پساودایی مورد بررسی قرار دهد. ضرورت این پژوهش و جاهت ویشنو در هندوئیسم و جایگاه متون مقدس در اندیشه معتقدان آن است. نظر به نشانه‌ها، ارتباط ویشنو با جهان در متون پساودایی علاوه بر دو وجه نگهدارنده‌گی و نجات‌بخشی که متعلق به دوره‌ی ودایی است، وجه همبودگی را نیز شامل می‌شود. همچنین جنبه‌ی لطف و بخشندگی ویشنو که در دوره‌ی ودایی به طوریکسان با قهاریتش مطرح است، در متون پساودایی برجسته می‌شود و بر قهاریتش غلبه می‌یابد. این موضوع در بحث ارتباط ویشنو با انسان نیز وجود دارد؛ ضمن آنکه ارتباط ویشنو با انسان که در دوره‌ی ودایی بر محور برآورده ساختن نیازهای مادی انسان است، دچار تحول شده و بیشتر بر محور امور معنوی و تکامل روحی انسان قرار می‌گیرد.

### کلیدواژه‌ها

ویشنو، جهان، انسان، خلقت، حفاظت، همبودگی.

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۰۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۱۶

zurvani@ut.ac.ir

۲. دانشیار گروه ادیان و عرفان، دانشگاه تهران، ایران.

salmani.niloofer@ut.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری ادیان و عرفان، دانشگاه تهران، ایران (نویسنده مسئول).

## مقدمه

متون هندویی سند خوبی برای تاثیر عناصر فکری دراویدی‌ها و ادبیات تامیل بر تفکر اقوام هندواروپایی است. چرخش فکری اقوام هندواروپایی به محوریت بخشی به ویشنو و تجلیاتش<sup>۱</sup> سندی محکم بر این مدعاست که ساکنان متمدن دراویدی هر چند به عنوان پایین ترین طبقه اجتماعی در میان اقوام هندواروپایی در جرگه بی‌ارزش ترین انسانها قرار داشتند لیکن در طول زمان و نه به طور دفعی، بر اندیشه و باور این اقوام نفوذ یافتند. این درحالی است که در دوره ودایی هنوز وجود ویشنو پررنگ نشده بود و تنها چند سرود مختصر ریگ‌ودا به اوصاف ویشنو اختصاص داشت که بخش اعظم آن هم مشابه صفات خدایان دیگر بود. شأن وجودی ویشنو در دین و فلسفه اقوام هندواروپایی در واژه‌ی «تری‌مورتی»<sup>۲</sup> قابل ذکر است.<sup>۳</sup> علاوه بر این، گسترش پرستش ویشنو در دوره پساودایی در جامعه و در میان همه‌ی طبقات که دارای محدودیت‌هایی در پرستش خدایان از جمله لزوم وجود واسطه‌ای به نام برهمن بودند، به جهت ساختار هویتی دگرگون‌شده‌ی ویشنو که آینه‌ای دوسویه را به ذهن متبادر می‌سازد که یک بعدش بر جنبه‌ی الوهی و بعد دیگرش بر جنبه بشری و در دسترس بودن او تاکید دارد و مابه‌الامتیاز او بوده است، ناظر به وجاهت یافتن ویشنو در تاریخ هندویی است. امر مسلم آنست که تئوری‌هایی مبنی بر وجود خدایان دور از دسترس که تنها از طریق برهمنان و افراد خاص امکان برقراری ارتباط با آنها بود، شکافی میان انسان و خدایان هندویی

۱. برای توضیح بیشتر در باب ویشنو به عنوان خدای دراویدی‌ها نگاه کنید به:

Elmore, Wilber T. 2016. *Dravidian Gods in Modern Hinduism: A Study of the Local and Village Deities of Southern India*. New Era Printing Co. chapter 2.

2. Trimurti

۳. شایگان، داریوش، ۱۳۸۹، ادیان و مکتبهای فلسفی هند، ج ۲، تهران: امیرکبیر. ص ۲۶۲. در دین هندو، ویشنو به‌مثابه‌ی یکی از ابعاد تری‌مورتی مطرح است چه در نظریه‌ای که او یکی از جلوه‌های برهمن و در یگانگی با او قلمداد می‌شود (Dowson 1961,320) و چه در اعتقادات فرقه‌ی ویشنویی که ویشنو به‌عنوان اصل و دو خدای دیگر - برهما و شیوا - به‌مثابه‌ی تجلیات اش مطرح‌اند. گوندا در اثری تحت عنوان تثلیث هندی این نگرش را که ایشوره مهادهو، خدای متعال است، ویشنو بزرگتر از ریشه‌ی جهان است و برهما در گیر در خلقت است، رد می‌کند و بیان می‌کند برهما و شیوا تجلی ذات ویشنو هستند.

Cf. Gonda J. 1969. *The Hindu Trinity*. *international journal of Anthropos*.(63). P. 224.

ایجاد می‌کرد. برجسته شدن خدایی همچون ویشنو که از جنس عشق است و دوستدار و ناجی تمام هستی می‌باشد،<sup>۱</sup> حلقه‌ای گم‌شده بود که رابطه‌ی فرمالیست دوره ودایی را به رابطه‌ای تلطیف شده و عاشقانه مبدل می‌ساخت ضمن آنکه محوریت آیین قربانی حیوانی پرهزینه را به محوریت عشق، و انحصارگرایی در پرستش را که ریشه یافته در کاست بود، به شمول‌گرایی در پرستش و حذف واسطه‌ها در آن مبدل ساخت. این بازگشت به پرستش ویشنو و تجلیاتش (اوتار)<sup>۲</sup> به معنای یک تحول فرهنگی بود که در آن، باورهای متعلق به دراویدی‌های متمدن که پایبندترین و منفورترین طبقه اجتماع محسوب می‌شدند، به بالاترین طبقات اجتماعی نفوذ یافت. گویی بومیان دره سند (دراویدی‌ها) تنها در ظاهر توسط اقوام هندواروپایی<sup>۳</sup> مغلوب شده بود، درحالی‌که هم‌اینان بودند که به مرور زمان از درون بر تفکر و اعتقاد اقوام هندواروپایی تاثیر گذاشتند.

با توجه به آنکه نسبت خدا با جهان و انسان یکی از مباحث مهم دین‌شناسی برای نیل به شناخت دقیق یک دین است، این مقاله بر آنست که در میان مباحث گسترده‌ی دین‌شناسی و نمودهای متعدد هندوئیسم، ارتباط ویشنو با جهان و انسان را با اتخاذ روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد متن‌پژوهی مورد مذاقه قرار دهد. این نوشتار در پاسخ به سه سوال اصلی صورت گرفته است. این پرسش‌ها عبارتند از: چه تفسیری از خلقت در متون هندویی درباب ویشنو ارائه شده است؟ در این متون ساختار جهان از چند وجه

۱. علاوه بر عشق، ابعاد دیگری که می‌توان در مورد ویشنو ذکر کرد عدالت و هدایتگری اوست. به‌طور مثال در داستانی مربوط به معبد سریلانکا ویشنو نماد عدالت الهی است (Narayanan 1998, p.103) و در جشن پانکونی رهبر ما یا داماد خوشتیپ خوانده می‌شود.

Cf. Younger P. 1982 . Ten days of wandering and romance with lord Rañkanāṭan: the Pañkuṇi Festival in Śrīrañkam temple, South India. *Modern Asian Studies* , 16 , 623 –56.

۲. در پژوهش‌های مختلف برای اوتاره از معانی‌ای نظیر هبوط، تجلی و تجسد استفاده شده است. در این پژوهش واژه‌ی اوتاره به معنای تجلی به کاررفته است زیرا در متون کهن هندو نیز به جای واژه‌ی اوتاره از پرادوربه‌اوه (Pra- durbhava) به معنای تجلی استفاده شده است.

Cf. De, Sushil Kumar. 1959. *Aspects Of Sanskrit Literature*. Digital Library of India.

۳. اگر نظریه مهاجرت را بپذیریم.

قابل ارزیابی است؟ چه نوع ارتباطی میان ویشنو با جهان و انسان وجود دارد؟ نگارندگان این پژوهش برای پاسخ به پرسشهای مذکور از متونی نظیر ریگ‌ودا، ویشنوپورانه، بهگود گیتا و بهگوته پورانه به همراه نظرات هندشناسان درباب ویشنو بهره برده‌اند. نتایج بدست آمده از این پژوهش می‌تواند زمینه‌ای باشد برای تحقیقات بعدی راجع به اینکه هر کدام از مکاتب فلسفی ویشنویی که هر کدام تفسیری متفاوت از رابطه ویشنو با جهان و انسان دارند، متعلق به جهان‌شناسی و انسان‌شناسی کدام متن هندووی هستند.

### پیشینه پژوهش

درباب موضوع ارتباط ویشنو با جهان و انسان در بسترهای متون مقدس هندووی، تاکنون هیچ اثری چه به زبان فارسی و چه به زبان انگلیسی نگاشته نشده است. باین حال درباره‌ی ویشنو و مکتب ویشنو آثار متعددی منتشر شده است که در بافتار زبان انگلیسی قابل جستجو است. متاسفانه در فضای پژوهشی ایران پژوهش‌های بسیار اندکی در این زمینه صورت گرفته است از جمله: سه گام کیهانی، تجلی در اندیشه ویشنویی؛ تجلی واقعی یا توهمی؟، بررسی باور به تجسد خداوند در آیین هندو و مسیحیت، مکشا از دیدگاه مکتب بهکتی ویشنویی (از رامانوجه تا نانک) و آرش کمانگیر و ویشنو.

ذکر آثار انگلیسی زبان با موضوع ویشنو و مکتب ویشنو به دلیل کثرت منابع در این خصوص و محدودیت قالب مقاله ژورنالی قابلیت تفصیل ندارد به‌همین خاطر به‌طور خاص تنها چند اثر محدود در اینجا مورد اشاره قرار خواهد گرفت. در زمینه هنر و شمایل‌نگاری ویشنویی می‌توان به آثاری نظیر شمایل‌نگاری ویشنو: (در شمال هند تا دوره قرون وسطی)<sup>1</sup> اثر کالپانا. اس دسای، شمایل‌نگاری معبد ویشنو در دیوگار و ویشنودارموتاراپورانا<sup>2</sup> نوشته‌ی الکساندر لوبوتسکی، و سمبولیسم تصاویر سه و چهار

1. *Iconography of Viṣṇu: (in Northern India, upto the mediaeval period).*

2. *The Iconography of the Viṣṇu Temple at Deogarh and the Viṣṇudharmottarapurāṇa*

چهره ویشنو: بررسی مجدد شواهد<sup>۱</sup> از آدالبرت جی گیل اشاره کرد. در باب اوتاره‌های ویشنو و تحقیقات تخصصی در این حوزه‌ها می‌توان از آثاری همچون اوتاره‌های ویشنو در فرهنگ هندو<sup>۲</sup> اثر سی تامپسون و شریواتسا، جینا سابها در نقش اوتاره‌ی ویشنو<sup>۳</sup> نوشته‌ی پادماناب. اس جینی، و کریشنا: پروردگار یا اوتاره؟: رابطه بین کریشنا و ویشنو<sup>۴</sup> از فردا ماچت نام برد. همچنین در خصوص مولفه‌ی هویتی ویشنو و ماهیت فرقه ویشنوه می‌توان از کتاب ویشنو اثر ناندیتا کریشنا<sup>۵</sup>، جنبه‌های ویشنوئیسم اولیه<sup>۶</sup> از ژان گوندا، و رقص ویشنو: منظره تامیل آوارها<sup>۷</sup> نوشته‌ی راجو کالیدوس یاد کرد. این آثار تنها برشی از آثاری است که درباره‌ی ویشنو به نگارش درآمده است و هزاران اثر در این حیطه وجود دارد که نمیتوان از آن‌ها سخن گفت. با این حال همانطور که بیان شد، در هیچیک از این هزاران اثر به‌طور خاص به ارتباط ویشنو با جهان و انسان در بستره‌ی متون هندویی پرداخته نشده است.

### خلقت جهان هستی

مساله آفرینش موضوع مهم در ارتباط ویشنو با عالم است. سوالی که در اینجا به ذهن متبادر می‌شود آنست که آیا خلقت در متون هندویی تنها منسوب به ویشنو است؟ با توجه به متون هندویی می‌توان گفت، واژه‌ی خلقت و خالق در کسوت نام‌هایی همچون برهمن، پرچاپتی، برهما و یا توشتری و ریهوهای کاردان و ماهر که دارای تخصص، مهارت و دانش حرفه‌ای برای خلقت‌اند، به کار رفته است. همچنین این واژه برای خدایان بسیار دیگری نیز به کار رفته است. بنابراین خلقت تنها منسوب به ویشنو نیست. در متون هندویی ویشنو بیشتر به جنبه‌ی حفاظت‌کنندگی‌اش شناخته شده است؛

1. *Artibus Asiae*
2. *Avatars of Vishnu in Hindu Culture*
3. *Jina Rṣabha as an avatāra of Viṣṇu*
4. *Kṛsna: Lord or Avatara?: The Relationship Between Kṛsna and Viṣnu.*
5. *The Book of Vishnu*
6. *Aspects of Early Viṣṇuism*
7. *Dance of Viṣṇu: the spectacle of Tamil Āvārs*

اما در مقام یک خالق نیز مورد اشاره قرار گرفته است.<sup>۱</sup> به طور مثال در متون ودایی خطاب به ویشنو و ایندرا به خویشکاری خلقت او که در واژه ساختن و به وجود آوردن نهفته است، تاکید شده :

«شما ایندرا و ویشنو وقتی که جنگ می کردید، این لانهایت را در سه قسمت به وجود آوردید.»<sup>۲</sup>

«شما که فلک پهناور را ساخته‌اید و نواحی را برای هستی ما وسعت بخشیده‌اید.»<sup>۳</sup>  
 فقره ۸ از سرود ۶۹ در مندله ۶ ریگ ودا که بیان شد، به به وجود آوردن جهان در ۳ بخش اشاره دارد. فقره ۲ و ۳ از سرود ۹۹ در مندله ۷ ریگ ودا نیز ویشنو را جداکننده‌ی دو جهان از هم می داند:

«تو این جهان را از یکدیگر جدا ساخته‌ای و زمین را با میخ‌هایی (چوبین) در پیرامون آن استوار کرده‌ای... تو مناره‌ی مشرق زمین را محکم برافراشتی.»

تمام عبارات فوق که دلالت بر دوران ودایی دارد، نشانگر آنست که ویشنو نیز همانند خدایان دیگر در بحث خلق و آفرینش و واقعیت بخشیدن به هستی قابل طرح است. در واقع همانطور که بیان شد، آفرینش و ویژگی انحصاری ویشنو نمی باشد. از سوی دیگر، در متون پساودایی نظیر بهگود گیتا، کریشنا که تجلی کامل ویشنو است، خود را خالق همه مخلوقات،<sup>۴</sup> آغاز و انجام عالم و خدای قدیم و سرمد معرفی می کند.<sup>۵</sup> همچنین، در پورانه‌های متقدم ویشنو به عنوان خالق جهان به تصویر

۱. رامانوجا، نیمبار که، ولبه چاریه و متفکران دیگر مکتب ویشنوه ویشنو را خدای متعالی معرفی می کنند که فراتر از خدایان دیگر است. به عنوان مثال، پیروان مکتب مدوه ویشنو را به عنوان عامل کل و انسان را وابسته به ویشنو می دانند و با مشاهده‌ی تعالی ویشنو از رنج، ناراحتی (śoka)، و توهم (moha) رهایی می یابند.

Cf. Raghavendrchar , H.N , " Madhva 's Brahma-Mīmāṃsā" , *The Cultural Heritage of India*, vol.3, p.331

2. Griffith, Ralph T. H. 1896. *The Hymns of the Rigveda*. 2nd edition. Kotagiri(Nilgiri). 6. 69. 8.

3. Ibid. 6 .69. 5

4. Lipner, Julius. 1999. *Hindus Their Religious Beliefs and Practices*. New York: Routledge London. p. 134.

۵. بهگود گیتا، ۱۳۸۵، ترجمه محمدعلی موحد، تهران، خوارزمی. دفتر ۷، فقرات ۶، ۲۵.

کشیده شده است. در ویشنوپورانه که ویشنو را به عنوان منشأ عالم معرفی می کند، چنین بیان می شود:

«جلال و شکوه ات مستدام باد، ای خدایی که چشمان نیلوفری داری. ای که ترس و وحشت را از عبادت کنندگان خود پاک می سازی. ای که جاودان، جهان شمول و روح حی و جاویدی؛ ای که منشأ کل موجودات، محرک قوه ذهنی و قوای حسی هستی، موجود واحدی می باشی با سه کیفیت. برتر از گونه های سه گانه هستی، فارغ از رنگ و امتداد و هر ویژگی ناپایدار می باشی؛ کسی که از تغییر و دگرگونی تولد و مرگ و خواب و بیداری تاثیر نمی پذیرد.»<sup>۱</sup>

در بهگودگیتا، پرکریتی کریشنا به عنوان منشا هستی و جنبه ای از طبیعت کریشنا که خالق است معرفی شده و این اشاره دارد به تجلی ویشنو در مقام علت مادی.<sup>۲</sup> در این کتاب مایا-شکتی که به وجود آورنده طبیعت گونه ها<sup>۳</sup> و جهان مادی است، یک انرژی شکتی ایشوره یا نیروی سحرآمیز برای خلق است. در پورانه ها نیز البته نه پورانه هایی نظیر پدمه پورانه که مخالف وجود مایا اند، مایا با افسانه خلقت یکی است و آن، ابزار خلقت ویشنو بیان شده است. مایا در این متون توهم جهانی نیست و با پرکریتی همسان نمی باشد.<sup>۴</sup> همچنین در وداها هر چند صراحتاً از ارتباط مایا و ویشنو در بحث خلقت سخنی به میان نیامده، لیکن با توجه به اینکه جدای از مایای غیرالهی، مایا در وداها منسوب به همه خدایان است<sup>۵</sup> و کارهای شگفت نیز به ویشنو نسبت داده شده است،<sup>۶</sup> نسبت دادن قدرت خدایی به او معقول به نظر می رسد و بنحوی می توان این تلقی را مطرح ساخت که در وداها نیز مایا قابل نسبت به ویشنو است.

در بحث خلقت ویشنویی، حضور او در جهان وجه دیگر بحث را شامل می شود.

1. Wilson, Hayman. 1840. *The Vishnu Purana*. London. Oxford. Book5,chapter30

۲. بهگودگیتا ۷. ۴، ۵.

۳. بهگودگیتا ۷. ۱۴.

۴. شایگان، داریوش، ۱۳۸۷، آیین هندو و عرفان اسلامی، ترجمه جمشید ارجمند، تهران: انتشارات فرزانه. ص ۶۲.

5. Goudriaan, Teun. 2005. "maya". *Encyclopedia of Religion*. V.9. Thomson Gale(ed). Macmillan. usa.p.2

6. Rig Veda. 6. 69. 7; 3. 54. 14

ویشنوپورانه که سراسرش بیانگر غیر دوگانه‌انگاری<sup>۱</sup> است،<sup>۲</sup> او را وجود صرف می‌داند که در همه جا حضور دارد. او همه چیز است و هر چیزی در اوست.<sup>۳</sup> بهاگوته‌پورانه نیز که پورانه‌ای فلسفی-شهودی است، ویشنو را تا مرتبه‌ی خدای متعال جهان بالا می‌برد.<sup>۴</sup> در بیانی کلی می‌توان گفت، در متون هندویی پساودایی راجع به ویشنو، علت فاعلی و مادی هر دو به ویشنو منسوب است و در بحث مایا و ویشنو در وداها که بیان شد، به نظر می‌رسد علاوه بر علت فاعلی، علت مادی بودن نیز در متون ودایی به ویشنو منسوب است.

### ساختار جهان هستی

پس از پرداختن به بعد خالقیت ویشنو با جهان، پرسش از ماهیت جهان خلق شده مطرح است. بر طبق متون هندویی، ساختار جهان خلق شده توسط ویشنو در سه وجه اجتماعی، زمانی و مکانی قابل بررسی است.

ساختار جهان از وجه اجتماعی، به نظر می‌رسد در متون ودایی سلسه مراتبی است؛ با توجه به آنکه نظام کاست یکی از عناصر محتوایی سروده‌های ریگ‌ودا است. با این حال، در سروده‌های ویشنو در ریگ‌ودا نشانه‌ای دال بر ساختار سلسه مراتبی و تفاوت به چشم نمی‌خورد. از نظر نویسندگان این پژوهش، با توجه به آنکه نشانه‌های متضاد در این خصوص وجود دارد، اظهار نظر قطعی معقول به نظر نمی‌رسد. در متون پساودایی نیز نشانه‌ی متعارض ملاحظه می‌شود. از جمله در فقراتی از بهگودگیتا به نجات همگانی اشاره دارد<sup>۵</sup> و در عین حال، فقراتی در این کتاب وجود دارد که دال بر طبقات

1. non-dualism

2. Adluri S. 2015. *Textual Authority in Classical Indian Thought: Rāmānuja and the Viṣṇu Purāṇa*. Abingdon: Routledge.

3. *Vishnu Purana*, 1840, 1.2.11

4. Bailey, Greg. 2010. "Puranas". *Encyclopedia of Hinduism*. ed by Denise Cush and et al. Routledge. pp. 636-637; Conio, Caterina. 1987. "Puranas". *Encyclopedia of Religion*. ed by Mirca Eliade. New York. Macmillan. V.12, 88-89.

۵. بهگودگیتا. ۹، ۳۲، ۳۳.



اجتماعی است.<sup>۱</sup> کریشناندا در کتاب «فلسفه بهگود گیتا» در اینباره می‌گوید: اینکه در بهگود گیتا از طبقات جامعه سخن گفته می‌شود بیانگر برتری طبقات بالاتر بر طبقات فرودست و تفاوت قائل شدن میانشان نیست، بلکه به موظف بودن هر ۴ طبقه به انجام وظایفشان اشاره دارد چراکه جامعه بشری بر همکاری متقابل استوار است و آن به عنوان یک ضرورت مطرح است.<sup>۲</sup> فقرات مربوط به نجات همگانی در گیتا دلیلی در تایید مدعای کریشناندا است. در این ارتباط علاوه بر بهگود گیتا می‌توان به فقره‌ای در بهگود پورانه نیز اشاره داشت: «از جمله مردم ناپاک متعلق به گروه‌های قومی بومی و بیگانه اگر به ویشنو متوسل شوند و آیین‌های مربوطه را انجام دهند، پاک شمرده خواهند شد.»<sup>۳</sup> این عدم فرق‌گذاری را می‌توان در شمایل‌نگاری‌های ویشنویی نیز مشاهده کرد، آنجاییکه ویشنو به صورت مردی سیاه پوست که دارای نژاد اصیل هندی-دراویدی و شبیه پادشاهان قدیم و در پوششی طلایی است، ظاهر می‌شود.<sup>۴</sup>

در تحلیل کلی، نشانه‌های مربوط به وجود ساختار سلسه مراتبی در متون هندویی می‌تواند متأثر از فرهنگ زمان باشد، و یا به نوعی پرداختن به مسئله‌ی رنج در جهان و پاسخگویی به آن باشد نه لزوماً به معنای پذیرش ساختار سلسه مراتبی. مدوه-فلسوف هندو-که متأثر از ویشنوئیسم است، در توضیح رنج روح به بیان سلسله مراتب هستی‌شناسی<sup>۵</sup> می‌پردازد و راه‌هایی از آنرا موکشه ذکر می‌کند.<sup>۶</sup> نه تنها مدوه بلکه

۱. نگرش یکسان مکتبهای فلسفی ویشنوه مبنی بر وجود طبقات مختلف جامعه تقویت‌کننده‌ی این ادعا است.
2. Krishnananda, Swami. 1969. *The Philosophy of the Bhagavadgita*. The Divine Life Society. Sivananda Ashram, Rishikesh, India. pp. 38, 39
3. *Bhagvad Purana*, 2.4.18; 3.33.6-7; 6.16.44; 7.9.10; 10.10.43; 11.14.21
4. Rameshkumar N. 2018. Iconographical study on thirukkannapuram sauriraja perumal temple, *International Journal of Advanced Research in Management and Social Sciences*. 7(9).
۵. مدوه معتقدند که ویشنو به‌عنوان موجود متعال در راس این سلسله مراتب قرار دارد و تنها وجود مستقل در آن است.
- Cf. Sharma, Vishal. 2021. Reading the Mahābhārata as Śāstra: The Role of the 'Righteous' Pāṇḍavas and 'Villainous' Kauravas in Madhva's Dvaitavedānta. *The Journal of Hindu Studies*, V.14, Issue 3. pp. 279-295.
6. Adluri, Vishwa. 2017. Hindu studies in a Christian, secular academy. *International Journal of Dharma Studies*. P. 23

متفکران و باورمندان ویشنوئیسم بر این باورند که «تاراتامیا»<sup>۱</sup> (سلسله مراتب) که بیانگر تفاوت‌های ذاتی موجودات است،<sup>۲</sup> در موکشه ازبین می‌رود.<sup>۳</sup> این نگرش را هم می‌توان به معنای پذیرش ساختار سلسله مراتبی و هم می‌توان به معنای تاکید بر موکشه برای رسیدن جامعه به وضعیت آرمانی بدون سلسله مراتب طبقاتی تفسیر کرد.

وجه دیگر ساختار جهان خلق‌شده توسط ویشنو وجه مکانی است که مشتمل بر سه بخش مجزای زمین، فضا و بهشت است.<sup>۴</sup> در این ارتباط می‌توان به عبارتی از ریگ ودا که قبلاً بیان شد، اشاره کرد: «شما ایندرا و ویشنو وقتی که جنگ می‌کردید، این لانه‌ها را در سه قسمت به وجود آوردید.»<sup>۵</sup> در ریگ ودا سه گام ویشنو، پهنه‌ی زمین، فاصله‌ی آسمان و زمین را درنورد و سومین گام را بر ورای آسمان گذارد و بر تمام عالم سیطره یافت. آغاز این گامها از منزلگاه اعلی بود. در سرود ۱۵۴ از مندرله‌ی ۱، او منزلگاه اعلی را در جای خود نگاه داشت و با گام‌های بلند، نواحی سه گانه را پیمود. برطبق سرود ۱۵۵ از مندرله‌ی ۱، یکی از اهداف او از این ۳ گام، آزادی و حیات بود.<sup>۶</sup> پرسشی که در اینجا به ذهن متبادری می‌شود راجع به ماهیت این سه گام است. برطبق سروده‌های مربوط به ویشنو در ریگ ودا می‌توان گفت، دو گام ویشنو و به عبارتی دو ناحیه عالم توسط انسان قابل رویت و شناخت است.<sup>۷</sup> و انسان از شگفتی آن، به هیجان می‌آید اما گام سوم که در آن سوی آسمان است، نه قابل رویت است و نه کسی می‌تواند به آن نزدیک شود؛ حتی پرندگان یارای پرواز به آن گام سوم او را ندارند.<sup>۸</sup> به‌نحو تمثیلی، گویی جهان چیزی جز ردپای قدم‌های ویشنو نیست و می‌توان در هر سه

1. *Tāratamya*

2. *Sharma*, 2021, pp.279-295

3. *Stoker, Valerie. 2011. Polemics and Patronage in Sixteenth-Century Vijayanagara: Vyāsātīrtha and the Dynamics of Hindu Sectarian Relations. The University of Chicago Press.*

۴. به نقل از راداکریشنان و محققان دیگر این بهشت در آن سوی گنبد آسمان قرار گرفته است. رجوع شود به رادا کریشنان، سروپالی، ۱۳۶۷، ص ۴۰.

5. *Rig Veda*. 6. 69. 8

6. *Ibid*. 1. 155. 4

7. *Ibid*. 7. 99. 1

8. *Ibid*. 1. 155. 5,6

بخش جهان آثار ویشنو را مشاهده کرد؛ چه این اثرات به معنای شکلی است که ویشنو به جهان داده است و به صورت جهان فعلی درآمده، و چه در قالب نوری معنا شود که هر سه جهان را احاطه کرده است ناظر بر آنکه ویشنو بر طبق ریگ ودا نور است و نورش به همه رسیده است.<sup>۱</sup> سوال مطرح در اینجا آنست که این نور، نور مادی است یا غیرمادی؟ با توجه به قرائن، هر دو تئوری می تواند درست باشد. به طور مثال، اشاراتی که به رازینی در بعضی سروده های وداها شده است، می تواند این موضوع را تایید کند که تمام اشارات راجع به نور در متون ودایی را نمی توان به طور یکسان و با قطعیت، نور خورشید گرفت؛ ضمن آنکه دارمستر نیز وقتی از خدایی همچون میترا ایرانی سخن می گوید، بیان می کند که میترا با خورشید ارتباط نزدیک دارد، اما هنوز با آن یکسان نیست و او را در جنبه کیهانی اش نور نامرئی جهانی می داند.<sup>۲</sup> و یا لوی برول، ایوانز پریچارد و محققان بسیار دیگری محققان عصر خود را متهم به عدم فهم درست دین مردمان ابتدایی و سطحی پنداشتن آنها، کرده اند. در مقابل، توجه بیشتر هندوان به مظاهر طبیعت و تجلیات مادی می تواند تاییدی باشد بر اینکه این نور، نوری مادی است. این نوع خوانش را می توان در تفسیر برخی مفسران ریگ ودا که ۳ گام ویشنو را به نوری مادی یعنی مظاهر سه گانه نور و یا به سه وضع خورشید تفسیر کرده اند، ملاحظه کرد. با این حال، ذکر این نکته حائز اهمیت است که مادی یا فرامادی بودن این نور می تواند در متون دور ه ی ودایی و پساودایی متفاوت باشد. همچنین در سروده های اولیه و متاخر ریگ ودا متفاوت باشد.

یکی از موضوعات مطرح در ارتباط با وجه مکانی در بحث ساختار جهان هستی، منزلگاه های ویشنو است. در فقرات ۵،۴ و ۶ از سرود ۱۵۴ در مندل ۱ ریگ ودا به توصیف منزلگاه های ویشنو پرداخته شده که مشتمل بر مولفه هایی چون شیرینی، جاودانگی، سرور، امن، سلامت و چشمه خوراک است:

«به سوی او که سه منزلگاه اش مملو از شیرینی، جاودانگی و سرور است؛ همانطور که

1. Rig Veda. 1. 156 . 1

2. Wadia, B.P. 1964. *Zoroastrian Philosophy and Way of life*. Theosophy Company (India) Private Ltd. 40 New Marine Lines. Bombay I. India. p. 14

ممکن است آنها را ذکر کند. آن کسی که آن سه بخش را، زمین را، آسمان را و همه موجودات زنده را حقیقتاً به تنهایی حفظ می‌کند.

باشد که به آن منزلگاه بسیار دوست‌داشتنی نائل شوم، جایکه انسانهای وفادار به خدا، شاد هستند. به خاطر چشمه‌های آنجا که خویشاوندی نزدیکی به آن قدم زنده‌ی عظیم دارند (منسوب به اوست)، به خاطر چشمه‌ی خوراک در بالاترین قدم ویشنو.

با اشتیاق به سوی منزلگاههای تو می‌رویم که گاوان بسیار شاخ و چابک وجود دارد زیرا آنجا، منزلگاه والای آن گاو فراخ‌گام با قدرت، برای ما به درخشش درمی‌آیند.»

در فقرات یادشده، زیست در چنین منزلگاههایی به‌عنوان یک آرمان برای معتقدین به ویشنو مطرح است و وفاداری به ویشنو طریقی برای بهتر شدن اوضاع زیست آدمی می‌باشد.

۹۹

پوشنامه ادیان

در ارتباط با وجه‌زمانی، هیچ دلالت و نشانه‌ای در گفتمان ویشنویی در متون ودایی وجود ندارد؛ لیکن طبق شمایل‌نگاری‌های ویشنویی، در برخی از تصاویر همچون تصاویر غارها، ویشنو بر روی چمبره‌ی ماری عظیم تحت عنوان ششا دراز کشیده که نمادی از ادوار جهانی دین هندو است. این نوع تصاویر، دالهایی‌اند که به دریافت پژوهشگر در فهم ساختار جهان هستی به‌لحاظ زمانی یاری می‌رسانند. این فرضیه که جهان در بستره‌ی دوره‌های زمانی قرار دارد، به‌عنوان یک اصل در همه ادیان و مکاتب هندو پذیرفته شده است. در این مبحث دو برداشت به‌نظر می‌رسد. برداشت اول آنست که دوره‌های زمانی به‌مثابه‌ی تدبیری از سوی برهمنان صورت گرفته است. بدین معنا که برهمنان به‌منظور ایجاد نگرش مثبت در پسیمیسم رایج که جهان را سراسر رنج می‌داند و یا مقابله با انقلابهای معترض به ساختار سلسله مراتبی و رنج‌ها، زمان‌های متعددی را متصور شده‌اند تا منتج به پذیرش وضع موجود و ایده‌آل‌گریز از جهان شود. برداشت دوم آنست که وجود دوره‌های زمانی امر حقیقی است. اینگونه که برهمنان در شهودهایشان به این امر نائل شده‌اند. شاید این امر دور از ذهن نباشد چراکه در مباحث علمی از جهان‌های موازی سخن به میان می‌آید. بنابراین این فرضیه قابل طرح است که در آینده، جهان‌شناسی هندویی به‌طور کامل توسط علم موردتایید قرار گیرد. پورانه‌ها و متون دیگر هندویی، ادوار زمانی را مشتمل بر ۴ عصر معرفی می‌کنند: ۱- کریته‌یوگه یا

ستیه یوگه ۲- ترته یوگه ۳- دوپاره یوگه ۴- کلی یوگه. دوران طلایی این ادوار از دوره کریته یوگه آغاز می شود و دوران انحطاطش در دوره کلی یوگه است. وجه تمایز این ادوار کیفیت اخلاق، معنویت و ماده است. نکته ی جالب توجه در بحث زمان و گردش زمان آنست که در رساله بهگود گیتا، کریشنا (مظهر کامل ویشنو) هويت خود را زمان معرفی می کند. «من زمانم؛ زمان نیرومند و جهان نابودکن لیکن برای حفظ جهان در اینجا ظهور یافته ام.» این عبارت به معنای تنیدگی ویشنو با ساحت زمان است.<sup>۱</sup>

در بیانی کلی، صورت ساختار جهان به لحاظ زمانی، مدور می باشد، به این معنا که حرکت تاریخ نه به صورت خطی بلکه حرکتی دوار است که در آن، آغاز جهان در همان نقطه ای که آغاز شده بود، به پایان می رسد.<sup>۲</sup> اینجاست که می توان از تولدهای دوباره ی انسان در جهان سخن گفت چرا که به جهت این زمان دورانی است که انسان همواره در چرخه تولدها و مرگهای پی در پی قرار می گیرد تا زمانی که به واسطه ی طرقی به نجات و رهایی نائل شود.

### نگهدارنده گی، نجات بخشی و هم بودگی

بر طبق متون هندویی، ویشنو علاوه بر خالقیت از ۳ منظر با جهان ارتباط دارد؛ منظری که او به عنوان یک حافظ، جهان را در صورت کلی اش حفظ می کند، منظری که به عنوان ناجی در جهان تجلی می یابد و منظری که او در اتحاد با جهان قرار می گیرد. در متون دوره ودایی از جمله در ریگ ودا عباراتی وجود دارد که دال بر حفاظت جهان به دست اوست: «گنبد پهناور آسمان را تو نگه داشته ای»<sup>۳</sup>، «آنکه بالاترین محل تجمع را نگاهداشت»<sup>۴</sup>، «او که حافظ و بی ضرر و بخشنده ی نیکوست»<sup>۵</sup>. در واژه ویشنو نیز که

۱. شایگان، داریوش، ۱۳۷۱، بت های ذهنی و خاطره ی ازلی، تهران: امیر کبیر. ص ۱۴۹.

2. Dolan, Marion, 2021, *Hinduism and Cosmology in India*, Decoding Astronomy in Art and Architecture.

3. Rig Veda. 7 . 99 . 2

4. Ibid. 1 . 154 . 1

5. Ibid. 1 . 155 . 4

مشتق از ریشه‌ی «ویش»<sup>۱</sup> یعنی گسترش یافتن و یا ویش به معنای نفوذ کردن یا «ویشلی»<sup>۲</sup> به معنای پوشانیدن است، معنای محافظت، رسوخ و نفوذ مستتر می‌باشد.<sup>۳</sup> این خویشکاری ویشنو که جهان را حفظ می‌کند و یا اینکه در جهان تجلی می‌یابد، به هویت رحمانیت او بازمی‌گردد؛ چنانکه در متون دوره ودایی فارغ از یک تعبیر «جانور سهمناک» که اشاره به قدرت و عظمت او دارد،<sup>۴</sup> به‌عنوان خدای بخشنده، نیکو و دارای لطف و بی‌ضرر معرفی شده است<sup>۵</sup> و در مهابهاراته و پورانه‌ها نیز به صفت رحم و نیکی شناخته می‌شود.<sup>۶</sup> بنابراین، در هر دو دوره اولیه و متاخر ویشنو به‌صورت اصل نگه‌دارنده و خدای دارای لطف ظاهر می‌شود.<sup>۷</sup> وجه تمایز آنست که ویژگی نگه‌دارنده‌گی در دوره ودایی تنها مختص ویشنو نبوده لیکن در دوره پسوادایی به دلیل ظهور مفهوم تری‌مورتی، به‌طور خاص منسوب به ویشنو می‌شود. پرسش مطرح در این بخش آنست که ویشنو با چه نیرویی جهان را حفظ می‌کند و یا در آن خود را متجلی می‌سازد؟ در ریگ ودا اشارات فراوانی به توانایی ذاتی ویشنو<sup>۸</sup> و کارهای شگفتش شده‌است<sup>۹</sup> و با توجه به آنکه در بسیاری از سروده‌های کهن، نیرو و قدرت محافظ جهان همان مایاست،<sup>۱۰</sup> به‌نظر می‌رسد ویشنو به‌وسیله‌ی مایا جهان را حفظ می‌کند. از طرف دیگر تمثالهای ویشنو نیز که در حالت خواب شمایل‌نگاری شده‌اند حکایتگر آنند که ویشنو برای نگهداری زمین با نیرویی جادویی و بدون هیچ تلاشی آن را حفظ می‌کند.<sup>۱۱</sup> تمام

1. VIS

2. *Visly*

۳. شایگان، داریوش، ۱۳۸۹، ص ۲۶۲

4. Rig Veda. 1 . 154. 2; 7. 100. 3

5. Ibid. 1. 155. 4; 1 .156. 3

۶. ایمانی، محمدرسول، ۱۳۹۲، ص ۱۰۳.

۷. ذکرگو، ۱۳۷۷، ص ۷۰.

8. Rig Veda. 5 . 87 . 8

9. Ibid. 6 . 69 . 7; 3 . 54. 14

۱۰. گراوند؛ پیغامی، ۱۳۹۶، ص ۵۵.

۱۱. شایگان، ۲۶۲، ۱۳۸۹

نشانه‌های فوق دلالت بر وجود قدرت شگفت‌انگیز ویشنو و یا «مایا ویشنو» برای حفاظت جهان دارد؛ جدای از قدرت حاصله از تقدیمی‌های انسانی.<sup>۱</sup> علاوه بر این، دلالت موجود در بهگود گیتا ناظر بر اینکه خدا به نیروی جهانی خود یعنی مایا-شکتی از نازادگی، زاده شده و با ظهور خود در قالب فردی، ماهیت خود را می‌پوشاند.<sup>۲</sup> بیانگر آنست که مفهوم تجلی، در پیوند با «مایا-شکتی» ویشنو است. نکته حائز اهمیت آنست که مفهوم مایا در بحث تجلی ناظر به معنای ظهور ویشنو<sup>۳</sup> و حاجابی است که مانع رویت او می‌شود؛<sup>۴</sup> چنانکه در بهگود گیتا در فصل ۹، فقره ۱۹ خود را اینگونه توصیف می‌کند: من بی‌مرگم، من هم «ست»<sup>۵</sup> (وجود) و هم «است»<sup>۶</sup> (لا وجود) هستم.

منظر دومی که در بحث ارتباط ویشنو با جهان مطرح است، ارتباط ویشنو با جهان در کسوت یک ناجی است. در متون ودایی، ارتباط ویشنو با جهان به صورت یک ناجی که دربرگیرنده معنای حفظ و اصلاح می‌باشد، در سه گامش بر زمین تعریف می‌شود و در متون پسوادایی در واژه اوتاره دیده می‌شود. اوتاره لغتی سنسکریت است: به معنای تنزل یا حرکت به سمت پایین و متشکل از دو جزء «تری»<sup>۷</sup> به معنای عبور کردن و حرف اضافه‌ی «اوا»<sup>۸</sup> به معنای پایین می‌باشد.<sup>۹</sup> در اصطلاح نیز به معنای ظهور و تنزل خدا در زمین و در قالب جسمانی و قابل رویت می‌باشد. پرسش مطرح در اینجا آنست که فلسفه‌ی تنزل ویشنو در جهان چیست؟ فلسفه‌ی این تنزل، ایجاد آرامش و امنیت و

1. Rig Veda. 6 . 69 . 6

۲. رادهاکریشان، سروپالی، ۱۳۶۷، ص ۹۸.

۳. بهگود گیتا. ۴. ۶.

۴. همان. ۷. ۲۵.

5. sat

6. asat

7. Tri

8. Ava

9. Grimes, John. 1996. *A Concise Dictionary of Indian Philosophy*. Sanskrit Terms Defined in English.

USA. State Univevrsity of New York Press. P. 73.

برطرف ساختن خطرات وارده بر هستی و فراگیری بدی است که به دلیل مهر و محبت ویشنو به انسان و عالم انجام می‌گیرد.<sup>۱</sup> در یک نگاه جامع، یک اوتاره شکل ویژه‌ای است که ویشنو برای نجات جهان، حفظ درمه و یا احیای نظم کیهانی می‌پذیرد.<sup>۲</sup> این مطلب در عبارت مشهوری از منظومه کهن مهابهارته<sup>۳</sup> به روشنی بیان شده است: "آنجا که نیکوکاری از رونق بیفتد و تبه‌کاری بالا گیرد، من خویش را پیش می‌فرستم تا از نیکان محافظت کنم و شریران را مجازات نمایم و بنیانی محکم برای راستی پی افکنم. من در هر دور پیدا آیم."<sup>۴</sup> اوتاره‌هایی که نمایانگر ارتباط ویشنو با جهان در بحث نجات‌بخشی در پورانه‌ها و بهگود گیتا هستند شامل کریشنا، کورمه، وراهه، نرسیمه، وامنه، رامه، بودا، و کلکی هستند که در راستای حفظ و نگه‌داری جهان و خیر و سعادت‌مندی بشر می‌باشند. علاوه بر اوتاره‌های مذکور که جزء ویهوه اوتاره به حساب می‌آیند، اوتاره‌های بی‌شماری در این متون نظیر ویهوه اوتاره وجوددارد که تجلی در راستای اهداف آیین درمه است.<sup>۵</sup>

منظری سومی که در ارتباط ویشنو با جهان مطرح است، اتحاد ویشنو با جهان است که در متون دوران پساودایی قابل مشاهده است. نشانه‌هایی همچون «جز من هیچ چیزی نیست»،<sup>۶</sup> «هسته جاویدان موجوداتم»،<sup>۷</sup> «آنچه هست همه اوست»،<sup>۸</sup> «من در آنها نیستم آنها در منند»<sup>۹</sup> و اینکه در ویشنوپورانه که محور مطالبش ویشنو است، ویشنو با تمام

1. N. Singh, Dharmdeo, 1999. *A study of Hinduism*, New Delhi, Vikas Publishing House. P. 140; Ellwood, Robert S, and Alles, Gregory D. (eds.). 2007. *The Encyclopedia of World Religions*. Facts On File. Inc. New York. P. 41.

2. Ellwood, 2007, 41

۳. بهگود گیتا. ۴. ۷، ۸

4. Jones, Lindsay (ed.). 2005. *Encyclopedia of Religion*. (2nd edition). Thomson Gale. New York. P. 707.

5. Entwistle, A. W. and Bakker, H. T. 1981. *History Of Vaishnavism*.

۶. بهگود گیتا. ۷. ۶

۷. همان. ۷. ۱۰

۸. همان. ۷. ۱۹

۹. همان. ۷. ۱۲



ستارگان، جنگل‌ها، کوه‌ها، رودها و دریاها اتحاد دارد،<sup>۱</sup> و به نام آسمان، زمین و آب و هوا و آتش نامیده می‌شود،<sup>۲</sup> همگی دلالت بر اتحاد و هم‌بودگی خدا با جهان دارند. با این حال، ویشنو در عین این اتحاد و در عین آنکه در تمام موجودات سریان دارد و چنان به جهان و طبیعت نزدیک است که به سختی می‌توان بین او و جهان مرز مشخصی قائل شد، دارای وجودی فرامادی، متعال و برتر از جهان است. نشانه‌هایی نظیر «نادانان، علو و سرمدیت ذات مرا که منزهم در نمی‌یابند»،<sup>۳</sup> «تو غیر قابل تصور، غیر قابل توصیف و غیر قابل درک هستی» در فصل اول از کتاب پنجم ویشنوپورانه<sup>۴</sup> دلالت بر فراتر و برتر بودن ویشنو از جهان دارند. بنابراین در متون دوره پسوادایی هر دو ساحت هم‌بودگی<sup>۵</sup> و تنزیه<sup>۶</sup> در بررسی ارتباط ویشنو با جهان، مطرح است، این درحالیست که در متون ودایی تمایز میان ویشنو و جهان کاملاً مشخص است. به این معنا که هیچ اثری از اتحاد و هم‌بودگی ویشنو با جهان در متون دوره ودایی ملاحظه نمی‌شود مگر آنکه سه گام ویشنو بر جهان در ریگ‌ودا در معنای هم‌بودگی تفسیر شود. وجود این بیانات متفاوت از رابطه ویشنو با جهان در متون هندویی، موجب ظهور عقاید گوناگون و مخالفت با نظام فکری متفکران پیشین ویشنوه شد. بسیاری از استدلال‌های مدوه در مخالفت با شنکره در اعتقاد به برتری ویشنو از جهان مطرح شد. (Stoker 47-77) مدوه با استناد به فقرات تنزیه در متون مقدس هندویی تمایز خدا و جهان را اثبات می‌کرد؛ لیکن شنکره با استناد به فقرات اتحاد و هم‌بودگی خدا با جهان تنها یک وجود را برای جهان اعلام کرده بود. از سوی دیگر، مدوه با رامانوجا که یکتاپرست بود و اندیشه‌اش نزدیکی بیشتری با او داشت<sup>۷</sup>، مخالف بود. دلیل این مخالفت آن بود که مدوه معتقد بود تنها

1. Rocher, Ludo. 1989. *The Purana: A History of Indian Literature*. Germany: Otto Harrassowitz. v.2. p.309.

2. Ibid. v.5. p. 254.

۳. بهگودگیتا. ۷. ۲۴.

4. Rocher, v.4. p. 252.

5. immanency

6. transcendency

7. Sundararajan, K. R. 2009. One and many-the Ontology of change in Ramanuja and Bhaskara. *Journal of Indian Philosophy and Religion*. V. 14.

یک عامل وجود دارد در حالی که رامانوجا بر این باور بود که خدا و انسان هر دو عامل هستند. (Yandell 544-561).

## ارتباط ویشنو با انسان

باتوجه به آنکه در متون هندویی ارتباطی دوسویه میان ویشنو و انسان به تصویر کشیده شده است، این ارتباط در دو بعد ذکر می‌شود. نشانه‌هایی نظیر الهام سرود توسط ویشنو به انسان،<sup>۱</sup> برکت بخشی،<sup>۲</sup> ثروت بخشی و راهبری<sup>۳</sup> و عطای حسن نیت و اراده نیکو به انسانها<sup>۴</sup> که در ریگ ودا بیان شده‌اند بیانگر نوعی از ایجاد ارتباط ویشنو با انسان است. همچنین برخی از اوتاره‌های ویشنو نیز که در بهگود گیتا و پورانه‌ها بیان شده و حتی ریشه‌های آن را به ریگ ودا و اوپانیشادها نیز می‌رسانند، نشانگر تمایل ویشنو برای ارتباط با بشر است.<sup>۵</sup> به‌طور مثال، در متسیه اوتاره ویشنو ناجی مانوی حکیم است که در سیل عظیم کیهانی غرق شده بود؛<sup>۶</sup> در ویوهه اوتاره ویشنو در تلاش برای ترویج معرفت معنوی انسان است؛ در تجلی به شکل پرشورامه یا رامای تبر به دست، در تلاش برای استوار ساختن قدرت برهمنان<sup>۷</sup> و در تجلی کلکی و کریشنا، در تلاش برای حفاظت از نیکان<sup>۸</sup> و نابودی بدکاران و استقرار دوباره دهرمه‌ی انحطاط یافته است.<sup>۹</sup> همچنین در تجلی بودا، ویشنو در صدد ارتباط و یاری رساندن به بشر در قالب آموزه‌ی عدم آزار رساندن به هر موجود زنده‌ای است؛ البته اگر با تفسیر آموزگاری تعالیم غلط به انسانهای

1. Rig Veda. 6. 69. 2; 7. 100. 2

2. Ibid. 1 . 90. 5

3. Ibid. 6. 69. 1; 7. 100. 2

4. Ibid. 100. 2

۵. در واقع ویشنو در قالب اوتاره‌ها نه تنها موجبات به جریان در آوردن ارتباط خود با جهان را فراهم می‌آورد، بلکه به فرآیند شکل‌گیری ارتباط خود با انسان نیز کمک می‌کند.

6. Bartlett, Sarah. 2009. *The Mythology bible: The definitive guide to legendary tales*, Sterling Publishing Compan.

۷. گراوند، احمدتوبی، ۱۳۹۵، ص ۱۱۵ و ۱۱۹.

۸. به‌طور مثال کمک ویشنو به انسانهای نیکوکار را می‌توان در کتاب بهگود گیتا در بحث نجات پانداوا از تبعد و پیروزی او در نبرد ملاحظه کرد. رجوع شود به: Sharma, 2021, pp. 279-295

۹. بهگود گیتا. ۴. ۸-۵.

شروع تعریف نشود. از طرف دیگر، بر طبق بهاگوته پورانه، ویشنو برای نگهداری از قدیسان، موبدان و برای تکمیل و تعالی باطنی و خارجی وجود انسان، به صورت پیکری زنده تجسم می‌یابد.<sup>۱</sup> نیز مطابق بهگودگیتا ویشنو برای قابل تصور ساختن خود برای انسان در عبادت تجلی می‌کند. او صورت الهی خود را برای سالکانی که شوق دیدار او را دارند، نشان می‌دهد.<sup>۲</sup> این نمایش دادن به جهت آنست که خدا تنها در صورتیکه وارد زندگی بشر شود و خود را بر خلق آشکار کند، قابل تصور است نه زمانیکه در حالت متعالی است.<sup>۳</sup> علاوه بر تجلیات فوق که همه جزء ویهوه اوتاره هستند و شاخصه اصلی شان نجات و یاری رساندن به بشر است، ۲ نوع اوتاره وجود دارد که مختص ارتباط ویشنو با انسان است و در زیر به آن اشاره خواهد رفت:

۱. ارکه اوتاره: به معنای تجلی لایتناهی در شمایل بشری است. این تجلی زمانی رخ می‌دهد که ویشنو در پاسخ به نیایش‌های پرشور انسانها به زمین آمده و برای پرستش، در بتی که توسط بشر ساخته شده است، وارد می‌شود.<sup>۴</sup>

۲. انتریامی اوتاره: در اندیشه ویشنویی، انتریامی اوتاره به معنای تجلی ذات لایتناهی در عالم آفاق و انفس است. این نوع از ظهور ویشنو، در قالب صورتی لطیف در اعماق انسان است. ویشنو به منظور قادر ساختن سالک برای مراقبه، در مقام اوتاره و به یک صورت جسمانی لطیف در اعماق قلب تجلی می‌کند و سکونت می‌یابد.<sup>۵</sup> همچنین طبق فقره ۶۱ از فصل ۱۸ بهگودگیتا، او در قلب همه‌ی موجودات زنده ساکن است و آنها را به واسطه‌ی مایا به حرکت درمی‌آورد:

«ای ارجونا، خدا در دل همه موجودات جا دارد و به نیروی مایا همچون لعبت‌باز آنها را به حرکت در می‌آورد.»

۱. شایگان، ۲۶۵، ۱۳۸۹

2. Srinivasa Chari, S. M. 1994. *Vaiṣṇavism: Its Philosophy, Theology, and Religious Discipline*. Delhi. MotilalBanarsidass. P. 211.

۳. همان. ۱۲. ۵.

4. Bowmer, William Robert. 2018. *The Persistence of Images: Mṛti, Monotheisms, and Museums*. island1.uncc.edu.

۵. همان.

بنابراین در متون دوره ودایی و پساودایی ویشنو با بشر ارتباط برقرار می‌کند تا آرمانها و احتیاجات او را عملی و برآورده سازد. لیکن به جهت متفاوت بودن آرمانها در هر دوره، جنس این ارتباط تغییر می‌یابد چراکه آرمان انسان دوران ودایی محصور در امور مادی نظیر ثروت، برکت و نیز نیکویی است اما آرمان انسان پساودایی بیشتر منوط به امور معنوی و اخلاقی نظیر معرفت معنوی، تعالی باطنی، نیکویی و توانایی بر مراقبه است. این امر به وضوح پیشرفت و پختگی اقوام هندواروپایی هندوستان را در طول زمان نمایان می‌سازد.

بعد دیگر ارتباط ویشنو و انسان، ارتباط انسان با ویشنو است. در متون ودایی همچون ریگ ودا سرود به‌مثابه‌ی امر قدرتمند به سوی ویشنو می‌رود و موجبات ارتباط انسان با او را فراهم می‌سازد.<sup>۱</sup> از طرف دیگر، مراسم رسمی، شیره سوما، نذورات و هدایا در گروه مولفه‌هایی قرار دارند که باید تقدیم ویشنو شود.<sup>۲</sup> لیکن مهمترین نکته در این ارتباط، بهکتی است. اشارات رفتن به سوی منزلگاه‌های ویشنو<sup>۳</sup> و اینکه انسانهای وفادار<sup>۴</sup> به ویشنو در آن شاد هستند،<sup>۵</sup> نیز پرستش ویشنو با جان و دل، نه در جهت منافع و سودجویی<sup>۶</sup> همگی دلالت بر وجود بهکتی در متون ودایی دارند؛ همچنانکه رادهاکریشانان، لورنزن و دیگران بر وجود آن در سروده‌های ریگ‌ودایی اشاره دارند.<sup>۷</sup> از طرف دیگر در متون پساودایی عشق به ویشنو (خدای عشق) و تجلیات او<sup>۸</sup> که در کلام بهاگوته پورانه و بهگودگیتا<sup>۹</sup>

1. Rig Veda. 1 . 154. 3

2. Ibid. 1. 156. 1,2; 9. 33. 3; 9. 34. 2

3. Ibid. 1/154/6

4. devoted

5. Ibid. 1/154/5

6. Ibid. 7/100/1

7. Lorenzen, David N. 2004. "Bhakti". P. 187; Radhakrishnan, Sarvepalli. 2008. Indian Philosophy. New Dehli. Oxford university press. vol.1. p. 233.

8. Dasgupa, Surendranath. 1952. *A History of Indian Philosophy*. v.3. Cambridge University Press. pp. 140, 141.

۹. از نظر زنر، هدف در گیتا اتحاد انسان با خداست و مراحل دستیابی به آن مقام عبارت است از رهایی کامل از عوامل دنیوی و دست‌یافتن به آرامش و سکون است. از نظر رائو نیز هدف گیتا اتحاد انسان با خداست که طی آن، رهرو واصل، فناپذیر می‌شود و به سرور و لذت ابدی که همان رستگاری و رهایی است، دست می‌یابد. رجوع شود به آشتیانی، ۱۳۷۵، ص ۲۳۹.

به عنوان بهترین و آسانترین طریق نجات از چرخه تولد و مرگ شناخته شده است، مورد اشاره قرار گرفته است.<sup>۱</sup> در این متون آیین‌های عبادی که بیشتر قربانی غیر حیوانی می‌باشند با بهکتی انجام می‌گیرد.<sup>۲</sup> بهکتی که شیوه‌ای معنوی و عاشقانه از حس حضور خداست، و بیانگر عشق متعالی و شدید به یک خدای برتر یا عشق به یک واقعیت غائی است، مبتنی بر نوعی اخلاص، وفاداری، سرسپردگی و عشق متعالی به معبود است. این طریقت از دیرباز در کنار دو طریقت پرستش‌عبدانانه و عارفانه در ادبیات هندوی حضور داشته است (Sharma, p. xv-xvi, xxii). نکته حائز اهمیت آنست که هرچند در بهاگوته پورانه همانند دوی ماهاتمیه، از شماری از آیین‌های عبادی همچون شنیدن و بازگو کردن داستانهایی درباره اوتاره‌های ویشنو<sup>۳</sup> سخن به میان آمده است و نیز در بهگودگیتا به قربانی گیاهی همچون پیشکش برگی، گلی، میوه‌ای یا آبی اشاره دارد؛ لیکن همه این اعمال باید همراه با بهکتی و به عبارت دقیقتر با ذهن و دلی سرشار از اخلاص و عشق انجام گیرد.<sup>۴</sup> باین حال نقش آیین‌ها را که در تقابل جدی با قربانی حیوانی هستند به جز برخی استثنائات در دوی ماهاتمیه، نباید نادیده گرفت چراکه رشد دینی مبتنی بر بهکتی به لحاظ تاریخی، همزمان و هم‌راستا با سازمان یافتن این آیین‌های عبادی در معابد بوده است.<sup>۵</sup>

علاوه بر وجود ارتباط مجزای ویشنو با انسان و انسان با ویشنو، نوع سومی از ارتباط وجود دارد که در اصطلاح درشنه (= تامل بصری) نهفته است. درشنه رابطه‌ایست دو سویه که در آن، فرد بر تصویری الوهی، درشنه می‌کند (کرنا) و خدا به او درشنه می‌بخشد (دنا). میزان اثربخشی بالای آن، زمانی رخ می‌دهد که در برابر تمثالهای ویشنو و تصاویر بزرگ او صورت گرفته و با رایحه مقدس معبد و نغمه‌های روحانی توأم باشد.<sup>۶</sup> بر طبق بیانات بعضی از متون سمریتی، نظاره کردن تمثالها یا ارکه‌ها موجب زدودن گناهان و

۱. بهگودگیتا. ۹، ۳۲، ۳۳.

۲. همان. ۹، ۲۶؛ Bhagvad Purana 2.3.20-24

۳. همچنین پرستش اوتاره‌ها در معابد مربوطه؛ ارتباط با عارفان راستین و شنیدن و خواندن نام‌های ویشنو.

۴. همان.

5. Lorenzen 2004, 195.

۶. همان.

پاکی ذهنی و معنوی فرد می‌شود.<sup>۱</sup> رابطه کرمه و تناسخ و به عبارتی ارتباط عمل انسان و تولدهای پی در پی او در جهان نیز یک رابطه دوسویه در ارتباط میان ویشنو و انسان است که باور رایج در میان اکثر ادیان و مکاتب هندویی است.<sup>۳۲</sup>

### نتیجه‌گیری

طبق مستندات بدست آمده از نشانه‌شناسی گفتمان متون مقدس هندو، نتیجه‌ی حاصل از بررسی نسبت ویشنو با جهان و انسان که تابع نوعی سیر تکاملی از متون ودایی به متون دوره پساودایی بوده، چنین ذکر می‌شود: هرچند ویشنو در متون ودایی با سه گامش تمام هستی را احاطه کرده و در آن نفوذ یافته؛ لیکن طبق متون دوره پساودایی صراحتاً به‌عنوان یک مرکز در هستی مطرح است: هم مرکزی برای خلقت و هم مرکزی برای تجلی در جهان و قلب انسان. بنابراین ویشنو در متون دوره پساودایی نه صرفاً موجد و محافظ هستی بلکه عین هستی است که این فراتر از ارتباط ویشنو با جهان در دوره ودایی مبنی بر موجد و حافظ هستی بودن ویشنو است. ابزار مهم ویشنو در هستی چیزی جز نیروی منحصر بفرد و سحرآمیز «مایا» نیست که موجب خلق جهان مادی و مداخله در ساختار جهان و قلب انسان می‌شود اینگونه که به واسطه این نیرو در جهان در قالب پرکریتی و سه‌گونه متجلی می‌شود و در عین حال، حاجب خدا شده و مانع مشاهده می‌شود. ساختار جهان به لحاظ اجتماعی که در آیات مربوط به ویشنو در متون دوره‌ی ودایی و پساودایی توصیف شده، به دلایل مطرح در این پژوهش هم قابل تفسیر به وجود ساختار سلسله مراتبی و هم قابل تفسیر به عدم وجود آن است، به لحاظ زمانی، ساختار آن، دورانی و به لحاظ مکانی متشکل از زمین، فضا و بهشت می‌باشد.

در بیانی کلی، ارتباط خدا با جهان در متون هندویی مربوط به ویشنو، علاوه بر جنبه‌ی خالقیت از ۳ منظر قابل طرح است؛ منظری که ویشنو به‌عنوان یک حافظ، جهان

1. Srinivasa 1994, 97, 98.

۲. از واژه «اکثر» استفاد شد چراکه مکاتبی نظیر چارواکه که نگاهی ماتریالیستی به جهان دارند قائل به تناسخ نیستند.

۳. بیرونی، ابوریحان، ۱۹۵۸، فی تحقیق ماللهند، چاپ حیدرآباد. ص ۳۳.

را در صورت کلی‌اش حفظ می‌کند، منظری که به‌عنوان ناجی در جهان مطرح است و منظری که او در اتحاد با جهان قرار می‌گیرد. دو منظر اول در متون ودایی وجود دارد و هر سه منظر در متون پساودایی وجود دارد. هرچند از دو منظر اول او در پی حفظ جهان است، لیکن در مورد اول، تمرکز بر حفظ جهان از جهت قالب، فرم و یا شاکله‌ی جهان است، و در مورد دوم تاکید بر حفظ محتوای درونی جهان و یا اهداف و معانی مطرح برای ویشنو است و در منظر سوم که متعلق به متون دوره پساودایی است تمرکز بر جنس وجودی خدا در این ارتباط است که طبق مستندات موجود، به هر دو ساحت هم‌بودگی و تنزیه اطلاق می‌شود. در واقع ویشنو در متون دوره‌ی پساودایی، درعین اتحاد با جهان هستی، دارای وجودی فرامادی، متعال و برتر از جهان است. او در تمام موجودات سریان دارد و چنان به جهان و طبیعت نزدیک است که به سختی می‌توان بین او و جهان مرز مشخصی قائل شد.

ارتباط ویشنو با انسان همانند ارتباطی که با جهان دارد، ریشه‌یافته در هویت رحمانیتش است که موجب حفظ جهان، تجلی در آن و لطف به انسان می‌شود، البته جنبه‌ی قهاریت ویشنو نیز در تعبیر جانور سهمناک و بعد جنگاوریش در متون دوره ودایی و برخی اشارات منفی مربوط به کارکرد اوتاره بودا در متون دوره پساودایی به چشم می‌خورد. بنابراین ویشنو دارای هر دو جنبه‌ی رحمانیت و قهاریت است با این تفاوت که جنبه لطف و بخشندگی‌اش در متون پساودایی بر جنبه قهاریتش غلبه دارد؛ درحالی‌که طبق متون ودایی رحمانیت و قهاریتش به یکسان مطرح است. علاوه‌بر بعد رحمانیت و قهاریت ویشنو، ارتباط ویشنو با انسان در متون ودایی و پساودایی در قالب تجلی در جهان و قلب انسان و به‌منظور عملی ساختن آرمان‌ها و احتیاجات مادی انسان است. در دوره‌ی ودایی آرمان‌ها بیشتر مربوط به امور مادی است و در دوره‌ی پساودایی تاکید بر امور معنوی است.

## فهرست منابع

- آشتیانی، جلال‌الدین، ۱۳۸۶، عرفان گنوستی سیزم، میستی سیزم، شرکت سهامی، ج ۴.
- ایمانی، محمدرسول، ۱۳۹۲، اوتاره آموزه‌ای در حال تحول و تکامل در منابع هندویی، معرفت ادیان.
- بهگود گیتا، (سرود خدایان)، ۱۳۸۵، ترجمه محمدعلی موحد، خوارزمی.
- بیرونی، ابوریحان، ۱۹۵۸، فی تحقیق ماللهند، چاپ حیدرآباد.
- ذکرگو، امیرحسین، ۱۳۷۷، اسرار اساطیر هند. تهران: فکر روز.
- رادا کریشنان، سروپالی، ۱۳۶۷، تاریخ فلسفه شرق و غرب، ج ۱، ترجمه خسرو جهاننداری، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- شایگان، داریوش، ۱۳۸۷، آیین هندو و عرفان اسلامی، ترجمه جمشید ارجمند، تهران: انتشارات فرزاد.
- شایگان، داریوش، ۱۳۸۹، ادیان و مکتبهای فلسفی هند، ج ۱ و ۲، تهران: امیرکبیر.
- شایگان، داریوش، ۱۳۷۱، بت‌های ذهنی و خاطره‌ی ازلی، تهران: امیرکبیر.
- گراوند، سعید؛ پیغامی، نوروز، ۱۳۹۶، بررسی آموزه‌های ما یا در سنت هندویی، مطالعات شبه‌قاره، ص ۵۵.
- Adluri, Vishwa. 2017. Hindu studies in a Christian, secular academy. *International Journal of Dharma Studies*.
- Adluri S. 2015. *Textual Authority in Classical Indian Thought: Rāmānuja and the Viṣṇu Purāṇa*. Abingdon: Routledge.
- Bailey, Greg. 2010. “Puranas”. *Encyclopedia of Hinduism*. ed by Denise Cush and et al. Routledge. p.634-642.
- Bartlett, Sarah. 2009. *The mythology bible: The definitive guide to legendary tales*, Sterling Publishing Compan.



- Barua, D Mitra. 2022. *Pāli Studies in Colonial Bengal: Bengali-Speaking Buddhists' Strategy to Distinguish themselves from Hindus*. Oxford University Press.
- Bowmer, William Robert. 2018. *The Persistence of Images: Mūrti, Monotheisms, and Museums*. island1.uncc.edu
- Conio, Caterina. 1987. "Puranas". *Encyclopedia of Religion*. ed by Mircea Eliade. New York. Macmillan. V.12, p. 86-89.
- Dasgupa, Surendranath. 1952. *A History of Indian Philosophy*. v.3. Cambridge University Press.
- De, Sushil Kumar. 1959. *Aspects Of Sanskrit Literature*. Digital Library of India.
- Dolan, Marion, 2021, *Hinduism and Cosmology in India*, Decoding Astronomy in Art and Architecture.
- Dowson, John. 1961. *A Classical Dictionary of Hindu*. London: Routledge & Kegan Paul.
- Ellwood, Robert S, and Alles, Gregory D. (eds.). 2007. *The Encyclopedia of World Religions*. Facts On File. Inc. New York.
- Elmore, Wilber T. 2016. *Dravidian Gods in Modern Hinduism: A Study of the Local and Village Deities of Southern India*. New Era Printing Co.
- Entwistle, A. W. and Bakker, H. T. 1981. *History Of Vaishnavism*.
- Gonda, Jan. 1969. *Aspects of Early Visnuism*. Delhi. Motilal Banarsidass.
- Cf. Gonda J. 1968. The Hindu Trinity. *International Journal of Anthropos*. (63). P. 224.
- Goudriaan, Teun. 2005. "maya". *Encyclopedia of Religion*. Vol.9. Thomson Gale(ed). Macmillan. usa.
- Griffith, Ralph T. H. 1896. *The Hymns of the Rigveda*. 2nd edition. Kotagiri (Nilgiri).
- Grimes, John. 1996. *A Concise Dictionary of Indian Philosophy*. Sanskrit Terms Defined in English. USA. State University of New York Press.
- Hopkins, Thomas J. 1966. "The Social Teaching of the Bhāgavata Purāṇa". *Krishna: Myths, Rites, and Attitudes*, Milton Singer (ed.), Honolulu.

- Jones, Constance A. and Ryan, James D. 2007. *Encyclopedia of Hinduism*. USA. Facts on File.
- Jones, Lindsay (ed.). 2005. *Encyclopedia of Religion*. (2nd edition). Thomson Gale. New York.
- Krishnananda, Swami. 1969. *The Philosophy of the Bhagavadgita*. The Divine Life Society. Sivananda Ashram, Rishikesh, India.
- Lipner, Julius. 1999. *Hindus Their Religious Beliefs and Practices*. New York: Routledge London.
- Lorenzen, David N. 2004. "Bhakti".
- Mesquita R. 2003 . *The rank and function of the God Vāyu in the philosophy of Madhva*. Indo-Iranian Journal , 46 , 97 –117
- Narayanan V. 1998 . 'Giver of fortune, bestower of grace'. In Stratton Hawley J., Wulf D. M. (eds.) *Devī: Goddesses of India*. Delhi: Motilal Banarsidass, pp. 87 –108 .
- Radhakrishnan, Sarvepalli. 2008. *Indian Philosophy*. New Dehli. Oxford University Press. vol.1.
- Radhakrishnan. Sarvepalli. 1960. *The Bhagavadgīta*. (ed. and trans.).
- Raghavendrchar , H.N , " Madhva's Brahma-Mīmāṃsā" , *The Cultural Heritage of India*, vol.3, p.331
- Rameshkumar N. 2018. Iconographical Study On Thirukkannapuram Sauriraja Perumal Temple, *International Journal of Advanced Research in Management and Social Sciences*. 7(9).
- Rocher, Ludo. 1989. *The Purana: A History of Indian Literature*. V.2. Germany: Otto Harrassowitz.
- Sharma, Vishal. 2021. *Reading the Mahābhārata as Śāstra: The Role of the 'Righteous' Pāṇḍavas and 'Villainous' Kauravas in Madhva's Dvaitavedānta*. *The Journal of Hindu Studies*, V.14, Issue 3.
- Singh, N. Dharmdeo. 1999. *A study of Hinduism*. New Delhi. Vikas Publishing House.
- Srinivasa Chari, S. M. 1994. *Vaiṣṇavism: Its Philosophy, Theology, and Religious Discipline*. Delhi. MotilalBanarsidass.

- Stoker, V. 2004. “Conceiving The Canon In Dvaita Vedanta: Madhva’s Doctrine Of ‘All Sacred Lore’.” *Numen: International Review for History of Religions*, 51(1), 31, 47-77.
- Stoker, Valerie. 2011. *Polemics and Patronage in Sixteenth-Century Vijayanagara: Vyāsaiṛtha and the Dynamics of Hindu Sectarian Relations*. The University of Chicago Press.
- Sundararajan, K. R. 2009. One and many-the Ontology of change in Ramanuja and Bhaskara. *Journal of Indian Philosophy and Religion*. V. 14.
- Wadia, B.P. 1964. *Zoroastrian Philosophy and Way of life*. Theosophy Company (India) Private Ltd. 40 New Marine Lines. Bombay I. India.
- Wango, Madhu bazaz. 2009, *World religions; Hinduism*. Forth edition. New York. Chelsi House Publishers.
- Wilson, Hayman.1840. *The Vishnu Purana*. London. Oxford.
- Yandell,K.1999.“Faith and Philosophy.” *Journal of the Society of Christian Philosophers*, 16(4), 544-561.
- Younger P.1982. Ten days of wandering and romance with lord Raṅkanāṭaṅ: the Paṅkuṇi Festival in Śrīraṅkam temple, South India. *Modern Asian Studies*,16, 623 –56.

۱۱۴

پوشنامه ادیان

سال هفدهم، شماره سی و سه، بهار و تابستان ۱۴۰۲